



## درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نوره مفیدی

تاریخ: ۶ آبان ۱۳۹۱

مصادف با: ۱۱ ذی الحجه ۱۴۳۳

جلسه: ۷

موضوع کلی: تحریف در قرآن

موضوع جزئی: ادله تحریف - روایات

سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بحث در ادله تحریف بود، تا اینجا سه دلیل را ذکر و مورد بررسی قرار دادیم.

### دلیل چهارم: روایات

ادعا شده روایات زیادی در مورد وقوع تحریف در قرآن وارد شده که حداقل تواتر اجمالی دارند یعنی روایات به حدی از کثرت است که موجب علم اجمالی به صدور برخی از این روایات از معصومین می شود. باید این روایات را که چند طائفه اند ذکر کنیم ببینیم از نظر سندی و دلالتی قابل قبول اند یا نه.

### طائفه اول:

روایاتی است که در آنها به صراحت تعبیر تحریف یا تغییر یا تبدیل به کار رفته است.

روایت اول: عن علی بن سويد السائي قال: «كتب إلي ابو الحسن الاول (ع) و هو في السجن و اما ما ذكرت يا علي ممن تأخذ معالم دينك لا تأخذن معالم دينك عن غير شيعتنا إن تعديتهم اخذت دينك عن الخائنين الذين خانوا الله و رسوله و خانوا اماناتهم، انهم ائتمنوا على كتاب الله عز و جل فحرّفوه و بدلوه فعليهم لعنة الله و لعنة رسوله و لعنة ملائكته و لعنة آبائهم الكرام البررة و لعنتي و لعنة شيعتي إلى يوم القيامة»؛ امام موسی بن جعفر (ع) در حالی که در زندان بود در پاسخ به سؤالی که از ایشان شده بود این گونه نوشتند: و اما آنکه گفتمی از چه کسی معالم دینت را اخذ کنی آن را از غیر شیعه ما اخذ نکن بعد در تعلیل برای اینکه چرا نباید معالم دین را از غیر شیعه اخذ کند می فرماید: اگر از شیعه ما تعدی کنی و از غیر شیعه اخذ کنی در این صورت دینت را از خائنین به خدا و رسول و خائنین به امانات خدا و رسول اخذ کرده ای، اینها کتاب خدا را به عنوان امانت اخذ لکن آن را تحریف و تبدیل کردند که لعنت خدا و رسول و ملائکه و آباء من و خود من و شیعیان من بر آنها باد. تعبیر تحریف و تبدیل در این روایت آمده است. این روایت در رجال کشی نقل شده است.

روایت دوم: ما عن الصدوق في الخصال باسناده عن جابر عن النبي (ص) قال: «يجيء يوم القيامة ثلاثة يشكون، المصحف و المسجد و العترة، يقول المصحف يا رب حرّفوني و مزقوني و يقول المسجد عطّلوني و ضیعوني و تقول العترة يا رب قتلونا و طردونا و شردونا» شیخ صدوق در کتاب خصال این روایت را از پیامبر (ص) نقل کرده که حضرت فرمودند: روز قیامت سه چیزند که در صحرای محشر شکایت می کنند؛ قرآن و مسجد و اهل بیت (ع)، شکایت قرآن این است که می گوید: اینها من را تحریف کردند و تغییر دادند، شکایت مسجد این است که می گوید اینها من را معطل و بدون استفاده گذاشتند و من را تزییع

کردند و اهل بیت (ع) هم شکایت می‌کنند که خدایا اینها ما را کشتند و طرد کردند و کنار زدند. شاهد این است که شکایت قرآن طبق این روایت این است که می‌گوید من را تحریف کردند و این اخبار از وقوع تحریف در قرآن است.

روایت سوم: جعفر بن محمد بن قولویه فی محکی کامل الزیارات عن ابی عبدالله (ع) قال: «إِذَا دَخَلْتَ الْحَائِرَ فَقُلِ اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ بَدَّلُوا دِينَكَ وَ كِتَابَكَ وَ غَيَّرُوا سُنَّةَ نَبِيِّكَ» حضرت می‌فرمایند: وقتی که داخل در حائر نبوی شدی بگو خدایا لعنت کن کسانی که کتاب تو را تبدیل کردند و سنت پیامبرت را تغییر دادند، نفس اینکه این لعن وارد شده نشان دهنده این است که کسانی هستند که در قرآن دست برده و آن را تغییر داده‌اند که اگر تبدیل و تحریف کتاب نبود چنین لعنی معنی نداشت. پس این روایت دال بر این است که تحریف در قرآن واقع شده است.

روایت چهارم: روایتی است که سعد بن عبدالله قمی در بصائر نقل کرده است. عن ابی جعفر (ع) قال: «دَعَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِمَنِي فَقَالَ (ص): يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ أَمَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عَتْرَتِي، وَ الْكَعْبَةَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) أَمَا كِتَابُ اللَّهِ فَحَرِّفُوهُ وَ أَمَا الْكَعْبَةُ فَهَدَمُوهُ وَ أَمَا الْعَتْرَةُ فَاقْتُلُوهُ وَ كُلُّ وَدَائِعِ اللَّهِ قَدْ نَبَذُوا وَ مِنْهَا قَدْ تَبَرَّأُوا» امام باقر (ع) از قول حضرت رسول اکرم (ص) نقل می‌کنند که حضرت فرمودند: ای مردم من در میان شما دو چیز را گذاشتم که اگر به آنها تمسک جویند هرگز گمراه نخواهید شد، یکی کتاب خدا و عترت و دیگری کعبه است سپس امام باقر (ع) فرمودند: از این دو ثقل، کتاب خدا را تحریف و کعبه را ویران کردند و عترت را کشتند و از همه ودائع الهی تبری جستند.

روایت پنجم: روایتی که ابن شهر آشوب در مناقب نقل کرده که بخشی از خطبه ابی الله الحسین (ع) در روز عاشورا است، فی خطبة ابی عبدالله (ع) یوم عاشورا «فإنما ائتم من طواغیت الامّة ... و محرّفوا الكتاب» حضرت خطاب به لشکر ابن سعد می‌فرماید: شما از طاغوت‌های امت هستید و بعد توصیفات را در مورد آن گروه دارد از جمله اینکه می‌فرماید: شما کسانی هستید که کتاب خدا را تحریف کردید. از این عبارت استفاده می‌شود که تحریف در قرآن واقع شده که حضرت این نسبت را به آنها می‌دهند و الا اگر تحریفی در قرآن واقع نشده باشد معنی ندارد که حضرت این جمله را خطاب به آنها بفرمایند.

روایت ششم: روایتی است که سید بن طاووس نقل از دو نفر نقل می‌کند؛ یکی سلیمان بن جعفر جعفری و دیگری ابی جعفر محمد بن اسماعیل بن بزیر قالوا: «دَخَلْنَا عَلَيْهِ وَ هُوَ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ فَأَطَالَ السُّجُودَ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَلْنَا لَهُ أَطَلْتَ السُّجُودَ؟ فَقَالَ (ع): مَنْ دَعَا فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ بِهَذَا الدُّعَاءِ كَانَ كَالرَّامِي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) يَوْمَ بَدْرٍ... قَالَ: إِذَا أَنْتَ سَجَدْتَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَقُلْ: اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ بَدَّلُوا دِينَكَ... اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ حَرَّفُوا كِتَابَكَ» این دو از امام رضا (ع) نقل می‌کنند و می‌گویند ما بر امام رضا (ع) داخل شدیم در حالی که حضرت در حال سجده بود، حضرت سجده را طولانی کرد، بعد از اینکه از سجده برخاست عرض کردیم چرا سجده را طولانی کردید؟ حضرت در پاسخ فرمودند: کسی که در سجده شکر این دعا را بخواند مثل کسی است که در جنگ بدر در کنار رسول خدا با کفار جنگیده است، این دو نفر گفتند این دعا را بگویند تا ما بنویسیم حضرت فرمودند: وقتی که سجده شکر بجا آوردی بگو لعنت خدا بر کسانی که دین او را تغییر و کتاب او را تحریف کردند. وجه لعن

هم این است که آنها کتاب خدا را تحریف کرده‌اند لذا دلالت می‌کند بر اینکه تحریف در قرآن واقع شده و لولا وقوع التحریف این لعن معنی نداشت.

روایت هفتم: روایتی طولانی است در تفسیر علی بن ابراهیم قمی از ابی الجارود- بحث است که این تفسیر را علی بن ابراهیم قمی نوشته یا ابی الجارود یا مربوط به هر دو نفر است که بحث آن به طور مفصل در مباحث رجال ذکر شده است- عن ابی ذر قال: لما نزلت هذه الآية «يوم تبيض وجوه و تسود وجوه»، وقتی که این آیه نازل شد حضرت رسول اکرم فرمودند: «ترد علی امتی یوم القيامة علی خمس رایات... فاسألهم ما فعلتم بالثقلین من بعدی؟ فیقولون: اما الاکبر فحرفناه و نبذناه و اراء ظهورنا و اما الاصغر فعادیناه و ظلمناه فأقول: ردوا إلی النار و الثانی رایة فرعون هذه الامة فاسألهم ما فعلتم بالثقلین من بعدی؟ فیقولون اما الاکبر فحرفناه و مدقناه و خالفناه و اما الاصغر فعادیناه و قاتلناه فأقول لهم ردوا إلی النار و الثالث رایة سامری هذه الامة فاسألهم ما فعلتم بالثقلین من بعدی؟ فیقولون اما الاکبر فعصیناه و ترکناه و اما الاصغر فمزقناه و ضیعناه و صنعنا به کل قبیح فأقول: ردوا إلی النار و اما الرابع رایة ذی الثدیة مع اول الخوارج فاسألهم ما فعلتم بالثقلین من بعدی؟ فیقولون اما الاکبر فمزقناه و ورعنا منه و اما الاصغر فقاتلناه و قتلناه فأقول لهم ردوا إلی النار و آخرهم رایة علی(ع) فاسألهم ما فعلتم بالثقلین من بعدی؟ فیقولون اما الاکبر فاتبعناه و اما الاصغر فاحبیناه و والیناه و واردناه و نصرناه حتی اهریقت فیهم دمائنا فأقول لهم ردوا إلی الجنة» امت من روز قیامت با پنج پرچم و علم بر من وارد می‌شوند، گروه اول کسانی هستند که وقتی وارد می‌شوند من از آنها سؤال می‌کنم که بعد از من با دو ثقل (ثقل اکبر و اصغر) چه کردید؟ می‌گویند: ثقل اکبر یعنی قرآن را تحریف کردیم و کنار گذاشتیم و نسبت به ثقل اصغر یعنی اهل بیت(ع) دشمنی و ظلم کردیم و من می‌گویم: به سمت آتش برگردید بعد حضرت می‌فرماید: گروه دوم فرعون این امت است که با اتباعش وارد می‌شود و من سؤال می‌کنم با ثقلین چه کردید؟ در پاسخ می‌گویند: قرآن را تحریف کردیم و کنار گذاشتیم و با اهل بیت(ع) دشمنی کردیم و آنها را کشتیم و من می‌گویم: برگردید به سمت آتش. گروه سوم سامری این امت است که وقتی وارد می‌شوند باز حضرت همان سؤال قبلی را می‌پرسد و آنها همان پاسخ را می‌دهند، گروه چهارم هم در پاسخ همان را می‌گویند پس این چهار گروه توسط پیامبر(ص) مورد سؤال قرار می‌گیرند و خود آنها با صراحت می‌گویند قرآن را تحریف کردیم و تغییر دادیم و حضرت هم آنها را به سمت آتش فرا می‌خوانند و گروه پنجم تحت رایة علی(ع) هستند که وقتی حضرت از آنها سؤال می‌کند شما با دو ثقل چه کردید در پاسخ می‌گویند: قرآن را تبعیت کردیم و اهل بیت(ع) را دوست داشتیم و آنها را یاری کردیم تا آنجایی که خون ما در راه آنها ریخته شد که حضرت به آنها می‌فرماید: وارد بهشت شوید.

شاهد در این روایت این است که از این پنج گروه، چهار گروه راجع به ثقل اکبر که قرآن است می‌گویند ما آن را تحریف کردیم که معنای این سخن این است که تحریف در قرآن واقع شده که این چهار گروه آن را ادعا می‌کنند.

**بحث جلسه آینده:** روایات طائفه اولی را انشاء الله در جلسه آینده بررسی خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»